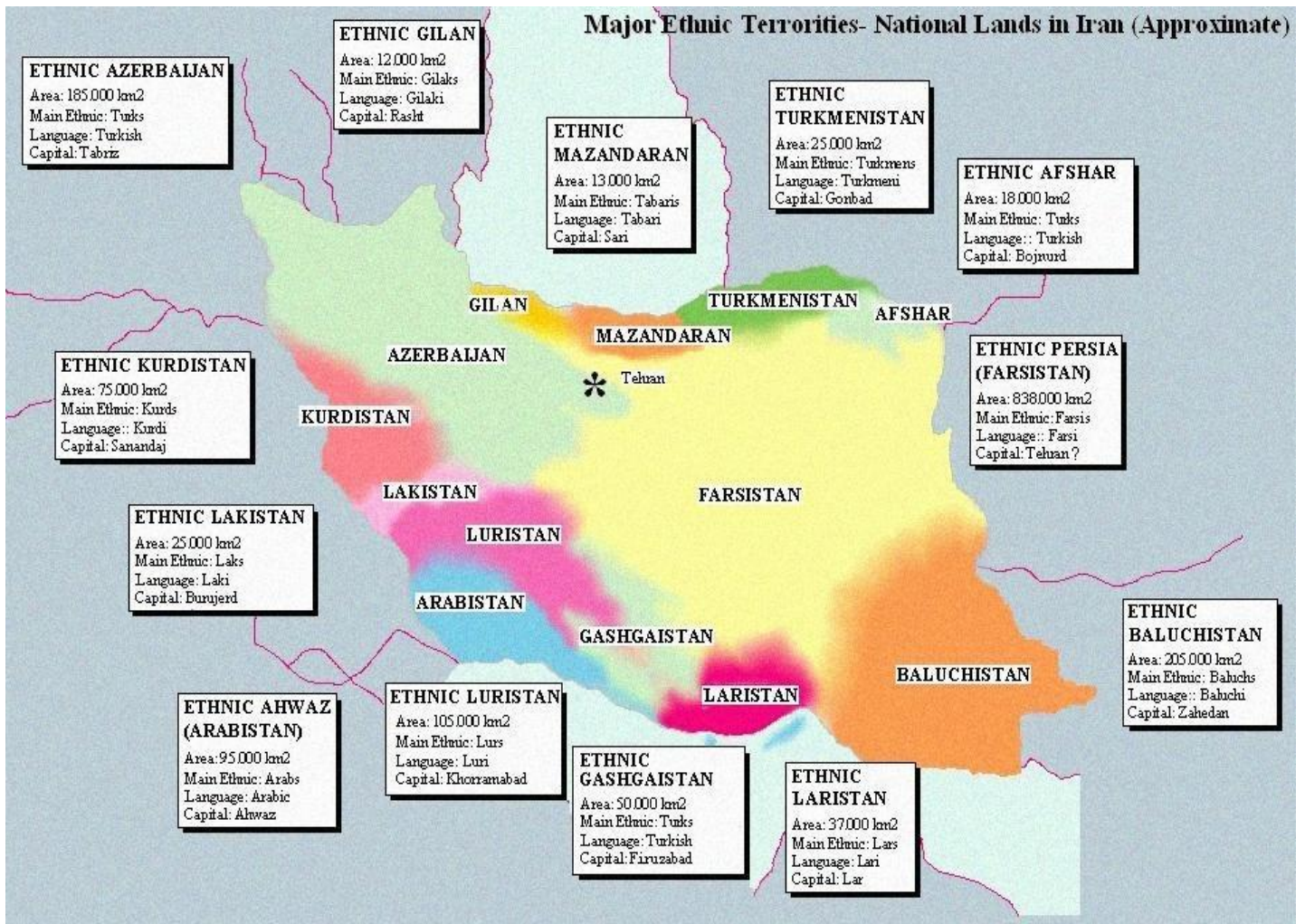


# دموگرافی مادر سیاست و یا آلودگی ترمینولوژیک

مهران بهاری

<http://demoqrafi.blogspot.com/>



با گذشت هر روز گروه بیشتری از مردم و نخبگان سیاسی و فرهنگی ملل ساکن در ایران به واقعیات مساله ملی آگاهی پیدا میکنند و آرام آرام از موضع انکار به سوی پذیرش آنها گام برمیدارند. واقعیات مساله ملی کدامند؟

ایران کشوری "کنیرالمه" است و مردم آن از ملت‌های مختلف تشکیل شده است. در درون مرزهای ایران "چندین ملت" وجود دارد نه "اقوام گوناگون" و یا "ملت ایران". ایرانی نام ملت و یا قوم و نژاد و تبار و فرهنگ و زبان مشخصی نیست. ملت ایران تعبیری نارسا و نادرست برای نامیدن "مردم ایران" است. کردها و ترکها و فارسها... هر کدام ملتی جدا هستند البته جزء مردم ایران. دولت ایران موظف است به تمام شهروندان ایرانی از هر ملت و به تمام ملل ایرانی از هر تبار و زبان و اعتقاد سرویس بدون تبعیض و برابر دهد. ملل عمده ایران همه عناصر اصلی سازنده مردم و جامعه و هویت ایرانی اند. در ایران هیچ ملتی مخصوصا فارس زبانان دارای اکثریت مطلق نیست. مسئله ملی در ایران در قالب فرمول اقلیت-اکثریت نمیگنجد. روند دمکراتیزاسیون جهانی بیشک سیستم معیوب فعلی منطقه را که با احقاق حقوق شهروندی و ملی گرووهای ملی مخالفت میورزد زیر و رو خواهد کرد. آنچه که در افغانستان و عراق و ترکیه و آذربایجان اتفاق میافتد همین است. ایران تنها کشور منطقه است که به روند پذیرش تنوع ملی کشور و مردم خود نیپوسته است. در حالیکه ۴۶ روستای ارمنی نشین قره باغ در آذربایجان خواهان استقلال است، در ایران ۳۵-۳۰ میلیون ترک را از خواندن و نوشتن به زبان مادری و ملیاش محروم کردن، صندوق جریمه ترکی گذاشتن و زبان قوم فارس را زبان ملی اش نشان دادن به هیچ وجه رفتارهایی عاقلانه و دوراندیشانه نیستند.

بنابر اندک منابع موثق موجود در باره ترکیب ملی مردم ایران، خلق ترک در این کشور اکثریت نسبی جمعیت را تشکیل میدهد. زبان ترکی (مجموع کلیه لهجه های آن) با ۲۹،۳ میلیون متکلم، حداقل ۴۲،۳٪ جمعیت ایران، از جهت شمار متکلمین زبان اول مردم ایران است. بقیه ملت‌ها از جمله فارسها در اقلیت اند. زبان ترکی زبان اول مردم در شمال غرب کشور (آذربایجان جنوبی) و شمال شرق کشور (شمال خراسان) و دومین زبان در فارستان (پرشیا) و دیگر بخشهای کشور میباشد. ترکی زبان اکثریت مطلق مردم در استانهای آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، زنجان، همدان، اردبیل، قزوین، مرکزی، و تهران (متراکمترین ناحیه جمعیتی ایران) و دومین زبان رایج در استانهای خراسان، گیلان، مازندران، قم، کرمان، خراسان، فارس، اصفهان، چهارمحال، لرستان، سمنان، کردستان و کرمانشاهان میباشد. زبان فارسی (مجموع کلیه لهجه های آن) با ۲۵،۶ میلیون متکلم، حداکثر ۳۶،۹٪ جمعیت ایران، زبان دوم مردم ایران است. زبان محلی قوم اقلیت فارس در دشتهای مرکزی و شرقی ایران (با کمترین تراکم جمعیتی در کشور) رایج و همچنین زبان بومی بخشی از مردم کشور همسایه افغانستان میباشد.

## آلودگی ترمینولوژیک

هفته گذشته فریتز بولکشتاین عضو کمیسیون اروپا در سخنرانی ای در دانشگاه لیدن از دموگرافی (جمعیت شناختی) به عنوان مادر سیاست یاد کرد و این تثبیتی فوق العاده درست است. کافی است نگاهی به منطقه خود بیافکنیم. چهار بار قتل عام و نسل کشی ترکان آذربایجانی در قرن بیستم توسط ارمنیان (در آذربایجان شمالی، در شرق ترکیه و در آذربایجان جنوبی)، اشغال اراضی فلسطین توسط اسرائیل، سیاستهای دولت پهلوی در اسکان فارسها و لرها در عربستان ایران، سیستانیهها در ترکمنستان جنوبی و کردها در آذربایجان جنوبی، دست اندازی گروههای کرد بر شهرهای ترک کرکوک و تل عفر و .... در عراق، سعی در فارس سازی و تغییر زبان خلق ترک در ایران از ترکی به فارسی و .... همه و همه به نیت تغییر ترکیب ملی و بدست آوردن برتری جمعیتی قومی برای وصول به مقاصد سیاسی مشخصی یوده است.

جمعیت شناسی ملل و گروههای ملی ساکن در ایران، تاریخچه، لزوم، فوائد و یا امکان آن خود بحثی علیحده است. آنچه در این نوشته به آن میپردازم در رابطه با چند خبر درج شده در رسانه های فارسی و ترکی ایران که به نوعی با مساله ترکیب ملی ایران در ارتباط است میباشد: اظهارات وزیر خارجه جمهوری آذربایجان ائلمار ممدیاروف در دیدار با وزیر خارجه ایران در باره رابطه اقلیت آذربایجانی با ایرانی، اظهارات معاون وزیر خارجه آمریکا در باره اقلیت بودن فارسها و مقاله ای به قلم یونس پارسا بناب در تقسیم بندی ترکان ایران. بررسی دقیق هر سه این موارد، نشان میدهد که هم بین روشنفکران ترک ایرانی (پارسا بناب)، هم در کشورهای ترک همسایه آذربایجان (و ترکیه) و هم در سطح بین المللی در باره چهارچوب و جزئیات مسئله ملی در ایران عموماً و ترکیب ملی مردم در این کشور و مخصوصاً وضعیت خلق ترک و گفتمان جنبش دمکراتیک ملی آذربایجان در ایران، تا چه حد ابهام، دانسته های نادرست و پیش داوریها، سوء تفاهم، کج اندیشی و ارزیابیهای غیرواقعی وجود دارد:

### اقلیت - خطاهای ائلمار ممدیاروف

ئلمار ممدیاروف وزیر خارجه جمهوری آذربایجان در مصاحبه ای مطبوعاتی، از روابط خوب "اقلیت" بزرگ "آذربایجانی" در ایران با "ایرانی ها" سخن گفته است. گرچه توجه و اظهار نظر دولتین آذربایجان و ترکیه در رابطه با وضعیت خلق ترک و سرنوشت زبان و فرهنگ ترکی در ایران بویژه در آذربایجان جنوبی (مانند آنچه دولت ارمنستان در باره ارمنیان ایران انجام میدهد) البته با توجه به نرمهای سیاسی و رعایت اسلوبهای دیپلماسی بذاته امری بسیار طبیعی، مفید، حتی واجب است، اما با اینهمه در این جمله کوتاه سه خطای فاحش ترمینولوژیک وجود دارد:

۱- **آذربایجانی:** در ایران ملت، خلق و یا قومی که خود را (auto-ethnonym) "آذربایجانی" بنامد وجود ندارد. خلق ما هزاران سال است که خود را "ترک" مینامد. تعویض نام "ترک" به "آذربایجانی" و رایج ساختن تعبیری به شکل "ملت آذربایجان" و .... تدبیر دولت اتحاد جماهیر شوروی برای انکار ترک بودن خلق ترک ساکن در خاک

خود بوده است (مانند رایج ساختن تعبیر "آذربایجانی" از طرف دولت پان ایرانیست پهلوی جهت ایجاد بحران هویت و انکار ترک بودن خلق ترک در ایران). این تدبیر باعث شد که در آذربایجان شوروی بحران هویتی در میان خلق ترک بوجود آید که تاکنون نیز ادامه دارد. اما به همه حال این بحران هویت مربوط به آنهاست، آنها مختارند که خود را به هر نامی که صلاح میدانند بنامند. اما کسی حق ندارد که بحران هویتی خود را از خارج کشور به میان خلق ترک در ایران صادر کند. در ایران خلق ترک کوچکترین مساله ای با نام تاریخی ملی خود، یعنی "ترک" ندارد، تعویض نام این ملت از "ترک" به ملت "آذربایجان" و یا قوم "آذربایجانی" به یک اندازه نادرست و به یک اندازه بر علیه منافع و هویت خلق ترک در ایران است.

۲- **ایرانی:** ممدیاروف از روابط خوب "آذربایجانیها" با "ایرانیها" سخن میگوید. حال آنکه در ایران گروه ملی ای بنام "ایرانی" وجود ندارد که روابط خلق ترک با آن خوب و یا بد باشد. ایرانی وصف تابعیت و شهروندی است و به همین جهت خلق ترک ساکن در ایران، خود ایرانی شمرده میشود. شاید منظور ایشان از ایرانی، خلق فارس باشد. در آن صورت نیز میباید یاد آوری کرد که ایرانی را مساوی با فارس گرفتن، سیاست و گفتمان پان ایرانیسم است.

۳- **اقلیت:** ممدیاروف به جای ملت از اقلیت سخن میگوید. این فرمولبندی نه تنها به لحاظ اصولی بلکه از جنبه ی سیاست عملی نیز غلط است و نشان از ناآگاهی از دینامیزم و سیر مساله ملی در ایران دارد:

- در ایران مسئله "اقلیتهای قومی" وجود ندارد، مسئله "ستم ملی" وجود دارد. مسئله ی ملی در ایران را نمیتوان در چهارچوب اقلیت و اکثریت قرار داد. دفاع از حقوق اقلیت در قالب فرمولبندی اقلیت قومی در ایران، نشان میدهد که صاحبان آنها روح دمکراسی را هم ملتفت نشده و چندین فاز از مبارزه دمکراتیک عصر حاضر عقبند. مسئله مردم ایران تامین حقوق برابر فردی (شهروندی) و گروهی (ملی) برای همه شهروندان و همه ملتتهای ایرانی به عنوان عناصر برابر حقوق سازنده ایران است و نه بر اساس اکثریت و یا اقلیت عددیشان.

- از گفته ممدیاروف چنین برمیآید که فارس زبانان در ایران اکثریت و مابقی اقلیت هستند و یا در اکثریت بودن فارسها هیچ شک و شبهه ای وجود ندارد. حال آنکه در تاریخ معاصر در ایران هیچ سرشماری دولتی با متد علمی و با نظارت ارگانهای حقوق بشری به عمل نیامده تا ترکیب ملی و زبانی مردم کشور بر اساس آن تعیین گردد.

### پرشین - خطاهای ریچارد آرمیتاژ

ریچارد آرمیتاژ معاون وزیر امور خارجه آمریکا طی سخنانی گفته است: در حال حاضر پرشینها در کشور خودشان تقریباً در اقلیت قرار دارند، ۵۲ درصد یا رقمی در همین حدود (The Persians are almost a minority in their own country now -- they're like 52% or something) <http://www.tribun.com/2000/2074.htm>

۱- در ایران امروز چیزی به اسم "پرشین" وجود ندارد، فارس وجود دارد. اگر وی "پرشین" را به جای "فارس" بکار برده باشد، باید گفته شود که پرشین نام قومی باستانی است که با خلق فارس امروزی که آمیخته ای از بومیان و اعراب و ترکان و ... میباشد ارتباطی ندارد. کاربرد پرشین-پارسی برای قوم و زبان فارسی، نادیده گرفتن تاریخ و فعل و انفعالات دو هزار ساله، تحریف آن و گفتمانی پان ایرانیستی برای تصاحب هویت و میراث تاریخی پارسها توسط فارس زبانان امروزی است و میبایست اکیدا از آن اجتناب نمود. فارس زبانهای ایران امروز با پارسیهای باستان یکی نیستند. ایندو، دو آنتیته تماما جداگانه اند.

۲- شاید ایشان هنگامی که از ۵۲٪ بودن پرشینها در ایران سخن میگوید مرادش مجموع فارسها و بعضی از دیگر گروههای ایرانی زبان و شیعه مذهب مانند گیلک و تبری و لر است که به شدت از سیاستهای فارسسازی آسیب دیده اند. این نیز گفتمانی پان ایرانیستی است که همه زبانهای متعلق به خانواده زبانهای ایرانی بویژه گیلکی و تبری و لری و ... را لهجه و یا گویشی از فارسی-پارسی-پرشین می شمارد. لری و فارسی و گیلکی و تبری و ... هر کدام متعلق به خانواده زبانهای ایرانی، اما زبانهایی جداگانه اند نه لهجه ها و گویشهای یک زبان. علاوه بر غیریت زبانی، بین این گروهها به هیچ وجه عینیت تباری نیز وجود ندارد. اگر درصد هر کدام از این خلقها به طور جداگانه حساب شود، به سهولت شمار واقعی فارسهای ایران، یعنی رقمی بین ۳۰٪-۲۵٪ تثبیت خواهد شد.

۳- مفید است که بین "فارس زبان" و "فارس تبار" تفکیکی قائل شد. با توجه به این که در صد بسیار قابل توجهی از ترکهای ایران بویژه در قرن حاضر آغاز به تکلم به زبان فارسی نموده اند (فارسزبانهای ترک تبار)، در صد فارس زبانهای فارس تبار، حتی بسیار کمتر از ۲۵٪-۳۰٪ نیز میباشد. تخمین های انجام شده یک چهارم الی یک سوم از فارس زبانهای کنونی ایران را نسل اول، دوم و سوم ترک تبارها و یا فارسزبانهای ترک تبار نشان میدهد. بخش مهمی از فارس زبانان امروزی ایران را ترک تبارانی مانند آیماقها و هزاره ها تشکیل میدهند. از زاویه استحاله قومی و تغییر و تبدلات زبانی، در ایران بویژه پس از کودتای برادران شرلی-ملا محمد باقر مجلسی - شاه عباس (مشابه کودتای اردشیر ریپورتر انگلیسی-سید ضیا طباطبایی-رضاخان در ۴۰۰ سال بعد) روند یک طرفه فارس شدگی خودجوش مشاهده میشود. پس از کودتای انگلیسی ۱۹۲۰ بر روند خودجوش فارس شدن، روند اجباری فارس سازی نیز اضافه شده است. در نتیجه این دو روند، جمعیت گروههای زبانی غیرفارس و در راس آنها ترکها به طور دایم در حال کاسته شدن است. و این بدان معنی است در حالیکه بسیاری از فارس زبانها، اصلا فارس تبار نیستند، به لحاظ تباری ملل غیرفارس ایران بسیار خالصترند. به عبارت دیگر در حالیکه در ایران تغییر سیستماتیک زبان اشخاص و خانواده ها و ایلهای ترک و یا عرب و یا کرد (در نسل دوم و سوم) به زبان فارسی دیده میشود، هرگز ترک زبان شدن، کرد زبان شدن و یا عرب زبان شدن سیستماتیک گروههای فارس دیده نشده است. از دهها هزار و صدها هزار ترکی که در مقاطع زمانی مختلف در مناطق ایران ساکن بوده اند (از طوائف آیماقها، بسیاری از گوندوزلوهها، افشارها، بیاتها، قاجارها، استاجلوهها، طوائف دیگر قزلباش، از اهالی ترک شهرهای اصفهان، شیراز، کرمان، قزوین، همدان، بندر انزلی، ساوه، اراک و غیره)، امروزه در بسیاری از آنها احدی ترکزبان یافت نمیشود.

۴- نکته قابل توجه دیگر در این گفته نام بردن از ایران به عنوان کشور پرشینهاست (پرشینها در کشور خودشان.....) تو گوئی ایران وطن پرشینهاست و آنها در اینجا صاحب خانه بوده و دیگر ملل ساکن در ایران همه مهمان آنانند. این نگرش بسیار نادرست است. ایران کشور همه مللی است که در آنجا ساکن اند و کسی در آنجا صاحبخانه و مهمان نیست. اما اگر منظور، مفهوم وطن است، وطن فارسیهای ساکن در ایران "فارسستان" نام دارد که منطقه زیست پیوسته فارسزبانها بوده و در نواحی شرق و مرکز ایران قرار دارد. فارسها در فارسستان اکثریت مطلق جمعیت را تشکیل می دهند.

### آذربایجانیها، شاهسون، بیات، افشارها؟ - یونس پارسا بناب

محقق ترک ایرانی یونس پارسا بناب در مقاله خود "مضمون مسئله ی ملی و پدیده ی پان ایسم در ایران (۲۰۰۰-۱۹۹۰)" <http://www.azadtribun.com/768.htm> لیست اتنیک ها و ملیتهای ایران را به شکل زیر میدهد:

الف: آریایی ها (۶۳ درصد): فارس، کرد، بلوچ، مازندرانی، گیلکی، لر - بختیاری، طالشی، هزاره، افغان (پشتو)، تاجیک و غیره (تات، هرزنی، خلخالی و ...).  
ب: ترکان (۳۱ درصد): آذربایجانی، ترکمن، قشقای، شاهسون، تیمور، افشار، جمشیدی، و غیره (قجر و بیات و ...)  
ج: سامی ها (۵ درصد): عرب، آسوری، عبری؛  
د: ارامنه (نیم درصد)  
غیره: پاکستانی، هندی، روس و ... (نیم درصد).

در این لیست اشتباهاتی اساسی وجود دارد:

۱- آریائی: در ایران نه گروه زبانی و نه گروه ملی ای بنام "آریائی" وجود ندارد. آنچه که این محقق تحت عنوان آریائی شمرده است، چیزی به جز "خانواده زبانهای ایرانی" نیست. حتی با منظور نمودن هندی و ... نیز گروه زبانی حاصله امروزه "هند و ایرانی" نام دارد و نه آریائی. به ویژه با توجه به موقعیت مرکزی نژادی بنام آریائی در اندیشه نژادپرستان نازیست و معادلین پان ایرانیستشان در ایران و در گفتمان رسمی دولتی، کاربرد این نام، حتی برای نامیدن گروه زبانهای هند و ایرانی نیز زیان آور است و باید از آن اجتناب نمود.

۲- آذربایجانی، شاهسون، بیات، ...: تقسیم بندی ای که این محقق تحت عنوان ترکان داده است غیرتخصصی و متروک است. تقسیم بندی مدرن گروهها و ملل تورکی، بر حسب زبان-گویش و نه بر حسب وابستگی طائفه ای انجام میپذیرد. بر این اساس در ایران خلقهای تورکی (به معنی عام و گسترده) مرکبند از "ترک" (به معنی خاص و محدود)، "ترکمن"، "خلج"، "قزاق"، "اؤزبک" و "اویغور". علاوه بر آنکه در لیست وی از گروههای ملی تورک خلج و قزاق و اؤزبک و ایغور ذکری به میان نیامده، آذربایجانی و قشقائی و شاهسون و افشار و قجر و بیات و ... که او به شکل گروههای جداگانه و همردیف ترکمن نام برده است، همه جزئی از خلق و ملت واحد ترک و زیرگروههای

طائفه ای و تباری آند. وی طوائف خلق ترک را به عنوان گروههای قومی-اثنیک جداگانه و معادل ملت ترکمن ردیف کرده است که تقسیم بندی ای مربوط به قرون ۱۸ و ۱۹ و از اساس نادرست است.

## آمار انگلیسی-آمریکائی

با بررسی آمار پراکنده ای که در باره ترکیب ملی مردم ایران وجود دارد میتوان به این نتیجه کلی رسید که به جز دو سه منبع (ارتش، ائنتولوق، لینگواسفر، ...) همه برآوردها و ارقام و اعداد مجلات و روزنامه ها و اطلسها و دائره المعارفها که به عنوان آمار مطرح میشوند داده هایی سیاسی از روی تمایلات قومیتگرایانه، حدس و گمان، ادعا و آرزو بوده، تماما محصول خیال و از اساس اشتباهند. سازمانها و سایتهای منبع این چنین داده هایی، که هیچکدام مدرک و منبعی نیز برای ادعاهای خود نشان نمیدهند، هیچوقت از مردم ایران بر حسب زبان و ملیت سرشماری نکرده اند و نتیجتا برآوردهایشان نیز هیچکدام سندیت نداشته و نمیتواند منبع و یا بررسی بحساب آید. از طرف دیگر، فصل مشترک داده های همه این دست مراکز، مخصوصا مراکز سیاسی و دائره المعارفهای خارجی انگلیسی-آمریکایی - که پدیدآورنده نژادپرستی پان ایرانیستی، ترک ستیزی و عرب ستیزی و به سرکار آورنده قوم اقلیت فارس به حاکمیت دولت ایران در سال ۱۹۲۵ هستند- این است که از سوئی سعی در زیاد نشان دادن به ترتیب شمار فارسیها (از جمله با فارس نشان دادن گیلکها و مازندرانیها و...)، شمار کردها و شمار کل ایرانیزبانها، و از سوی دیگر سعی در کم نشان دادن شمار ترکها، عربها، لرها و مجموع غیرایرانی زبانها دارند. به عنوان نمونه سه مورد از این دست ادعاهای بیبایه تبلیغاتی را از اینترنت نقل میکنم:

۱ - کتابخانه کنگره آمریکا (Library of US Congress) پس از ذکر ناهمگون (heterogeneous) بودن مردم ایران، زبانهای رایج در این کشور را به سه گروه هند و ایرانی (Indo-Iranian)، سامی (Semitic) و ترکی (Turkic) تقسیم میکند و بدون ذکر درصد فارسیها، هند و ایرانیها را جمعا حدود ۷۰٪، ترکیها (Turkish) را حدود ۲۸٪ و سامی ها را مرکب از عربی و آسوری ۲٪ می‌شمارد.

۲ - دائره المعارف بریتانیکا (Britannica) با اعتراف به ناهمگونی فرهنگی و چند زبانه بودن (multilingua) جامعه ایرانی، نصف مردم را فارس زبان (Farsi)، ۲۵٪ را متکلم به زبانهای دیگر هند و اروپائی (Indo-European) و ۲۰٪ را متکلم به زبانهای ترکی (Turkic) میداند. (بنابراین هند و اروپائیها را جمعا ۷۵٪ می شمارد).

۳ -سایت سفارتخانه جمهوری اسلامی در مجارستان پا را از این نیز فراتر گذارده فارسیها (Persians) را به تنهایی ۶۰٪ (شامل گیلکها و مازندرانیها)، کردها را ۷٪، لرها را ۲٪ و ترکیها را (Turkic) شامل آزریها Azeris (حدود ۲۵٪ از جمعیت ایران نشان میدهد. بقیه را نیز ترکیبی از عرب، ارمنی، آسوری، بلوچی، گرجی، پشتون و غیره میداند. [http://www.iranembassy.hu/oniran\\_people.html](http://www.iranembassy.hu/oniran_people.html)

با مقایسه ادعاهای فوق معلوم میشود که بریتانیکای انگلیسی، مجموع هند و ایرانیهای کنگره آمریکا را از ۷۰٪ به ۷۵٪ افزایش و شمار تورکان کنگره آمریکا را از ۲۸٪ به ۲۰٪ کاهش داده و بدین ترتیب شمار فارسیها را دو نیم برابر تورکها نشان داده است. البته با توجه به اینکه انگلستان عامل اصلی سقوط حکومت ترکی آذربایجانی قاجار،

به قدرت رساندن قوم فارس در ایران، سرکار آوردن پهلویها با کودتا و همچنین بوجود آورنده اندیشه پان ایرانیسم است، دستکاری در ارقام و بازی با آمار به نفع فارسیها و بر علیه تورکها از سوی انگلستان رفتاری چندان غیر منتظره نیست.

بر آوردهای بسیار جالب سفارت جمهوری اسلامی نیز از آن جهت شگفت انگیز است که میدانیم دولت ایران هرگز هیچ گونه آماری در باره ترکیب ملی و زبانی مردم ایران انجام نداده است و معلوم نیست منبع داده های سفارت چیست. آنچه در آن تردیدی نیست این است که این ادعاهای دولتی بیپایه و نادرست - در باره شمار فارسیها و ترکها، نیز شمول فارسی بر گیلکی و مازندرانی و یا ۲٪ شمردن لرها و ....- تکرار پرننگ ادعاهای قومیتگرایان فارس و مراکز بریتانیایی و ... است. (به خطاهای آرمیتاژ در بالا و نیز آمار سیا در زیر مراجعه کنید).

#### ۴ - آمار سیا (CIA World Factbook)

<http://www.cia.gov/cia/publications/factbook/geos/ir.html>

یکی از برآوردهای موجود در باره ترکیب ملی مردم ایران، که اغلب مورد استناد قومیتگرایان فارس، گروههای پان ایرانیست و بسیاری از مقامات دولتی ایرانی نیز قرار میگیرد و بشدت توسط آنها تبلیغ میشود، آمار مندرج در "CIA World Factbook" است. مطالعه این داده های جهتدار که هیچگونه اساس و بنیانی به جز ادعای خودش نداشته و دارای اشتباهات عمدی و یا سهوی بسیار است، نشان میدهد که این ارقام تنها برای القای اکثریت بودن قوم فارس و کم نشان دادن درصد ترکها در ایران خیاطی شده اند. طبق این ادعاها:

گروههای قومی: فارس (Persian) ۵۱٪، آذربایجانی ۲۴٪، گیلکی و مازندرانی ۸٪، کرد ۷٪، عرب ۳٪، لر ۲٪، بلوچ ۲٪، ترکمن (Turkmen) ۲٪ و دیگران ۱۰٪.

زبانها: فارسی و لهجه های فارسی (Persian and Persian dialects) ۵۸٪، تورکی و لهجه های آن (Turkic and Turkic dialects) ۲۶٪، کردی ۹٪، لری ۲٪، بلوچی ۱٪، عربی ۱٪، ترکی (Turkish) ۱٪ و سایر زبانها ۲۰٪.

برخی از خطاهای موجود در این آمار بدین شرح است:

۱- در این آمار لرها ۲٪ اهالی نشان داده میشوند. در حالیکه در واقع لرها با ۸٪-۹٪ جمعیت، پس از ترکها و فارسیها سومین ملت ایرانند.

۲- در این آمار گفته میشود کردی زبان ۹٪ مردم ایران است، در حالیکه کردها حداکثر ۶٪-۷٪ جمعیت کشوراند.

۳- در این آمار گفته میشود گروه قومی کرد ۷٪ جمعیت است که با توجه به ۹ در صد بودن کردزبانان طبق خود این آمار، این به آن معنی است که در ایران علاوه بر خود قوم کرد، ۲٪ از مردم که به لحاظ قومی کرد نیستند نیز از زبان کردی به عنوان زبان مادری استفاده میکنند که البته همچو چیزی صحیح نیست.

۴- در این آمار عربها ۳٪ جمعیت نشان داده میشوند که در واقع ۶٪-۸٪ جمعیت اند.



۵- در این آمار عربی به عنوان زبان مادری ۱٪ جمعیت و اعراب به عنوان گروه قومی ۳٪ جمعیت هستند. و این به معنی آن است که دو سوم اعراب ایران به زبان عربی سخن نمیگویند. معلوم نیست منبع چنین ادعائی چه بوده است. در واقع در ایران، شمار عرب تبارانی که به زبان عربی سخن نمیگویند بسیار بیشتر از این مقدار است. به عنوان مثال اقلا یک سوم فارس زبانهای ایران را عرب تبارها تشکیل میدهند.

۶- در این آمار از زبان و قومی بنام پرشین (Persian) صحبت میشود که وجود خارجی ندارد. (به توضیحات مربوط به آرمیتاژ مراجعه کنید).

۷- در این آمار تعداد فارسها (اگر منظور از پرشین این قوم بوده باشد) ۵۱٪ جمعیت نشان داده میشود که ادعائی تماما بیبیه است. علیرغم تبلیغات گسترده قومیتگرایان فارس، و علیرغم اعمال سیاست فارس سازی ملل ایرانی، طبق تنها منابع موثق دولتی (آمار ارتش) و بین المللی (لینگواسفر، ...) موجود در باره ترکیب ملی مردم ایران، زبان فارسی با همه لهجه هایش، زبان مادری تنها حدود یک سوم مردم ایران است (بنابر ائنتولوگ، در صد فارسها حداکثر ۳۷٪ میباشد).

۸- در این آمار بدرستی از ترکیک (Turkic-۲۶٪) و ترکیش (Turkish-۱٪) جداگانه، اما در ردیف و عرض هم نام برده میشود در حالیکه ترکیش (زبان) زیرمجموعه ترکیک (خانواده زبانی) است.

۹- در این آمار از ترکیش (Turkish)، آزری (Azeri) و نیز از ترکمنی (Turkmen) به طور جداگانه یاد میشود. معلوم نیست که مراد از این ترکیش چه زبانی است، زیرا در ایران ترکی همان است که در خارج به آن آزری و یا آذربایجانی گفته می شود.

۱۰- در این آمار ترکی (تورکیش) و تورکی (ترکیک) مجموعاً زبان ۲۷ در صد مردم ایران نشان داده میشود، در حالیکه طبق آمار ارتش ایران به تنهایی بخشی از خلق ترک که در شمال غرب کشور ساکن است ۲۹٪ جمعیت ایران است (طبق ائنتولوگ، درصد کل خلق ترک آذربایجانی در ایران حداقل ۴۲٪ است).

## واقعیات دموگرافیک ایران

آمار معتبر آنست که از سوی مراکز متخصص و صلاحیت دار زبانشناسی و انسانشناسی و مردم شناسی و دانشگاهی و یا دولت با رعایت اصول و شرایط ضرور و بطور پرئودیک بدست آید. در عصر حاضر تنها چند منبع و بررسی معتبر موثق در باره ترکیب جمعیت ایران کثیرالمله وجود دارد. همه این منابع نیز، اکثریت نسبی مردم ایران را ترک و فارسها را دومین گروه قومی و بزرگترین اقلیت ایران نشان میدهند:

۱- سرشماری ارتش شاهنشاهی در زمان

۲- ائنتولوگ (Ethnologue)

۳- لینگواسفر (Linguasphere)

۴- صد پر متکلمترین زبانهای دنیا (Top 100 Languages by Population)

**احصائیه ارتش شاهنشاهی:** تنها مرجع رسمی موجود دولتی که مشخصا به بررسی ترکیب ائتتیک و قومی مردم ایران پرداخته است احصائیه ارتش شاهنشاهی است که در کتابی در ده جلد بنام فرهنگ جغرافیایی ایران، انتشارات ستاد ارتش ۳۱-۱۳۲۸، تهران منتشر شده است. (کتاب ژنرال پناهیان، فرهنگ جغرافیایی ملی ترکان ایران زمین، در ۴ جلد همراه با یک جلد نقشه، ۱۳۵۱ بر اساس این اثر تالیف شده است) در این اثر که منحصرأ احصائیه گروههای ملی و زبانی مردم ایران است، تک تک دهات و روستاها و شهرهای سراسر ایران با ذکر زبان و یا زبانهای هر کدام داده شده است. طبق این احصائیه جمعیت ترکهای ایران بدون در نظر گرفتن طوائف ترک، مراکز جمعیتی شهری و متروپل تهران، حداقل یک سوم مردم اعلام شده است. (با احتساب طوائف، مراکز شهری و متروپل تهران رقمی نزدیک به ۳۶٪ بدست میآید). طبق همین مرجع نه تنها تعداد فارسها، بلکه کل مجموع ایرانی زبانهای کشور (فارس، کرد، بلوچ، ...) به سختی به ۶۰٪-۵۵٪ در صد جمعیت میرسد.

فراموش نشود که ارتش شاهنشاهی رژیم پان ایرانیست پهلوی، سعی در کم نشان دادن تعداد ترکزبانان ایران داشت و علاوه بر آن بسیاری از ترکها از ترس دولت و یا خود کم بینی، همچنین فرزندان ازدواج های مختلط، خود را فارس زبان معرفی نموده اند. بنابر این، درصد اعلام شده درصد حداقل است. نکته دیگر آنکه حتی اگر داده های ارتش شاهنشاهی به روز نبوده باشند، با اینهمه هنوز هم این داده ها تنها بررسی-منبع موجود دولتی جامع در این باره اند. به روز نبودن این واقعیت را نفی نمیکند و هیچ اعتباری نیز به ادعاهای غیرتخصصی، بدون صلاحیت، تبلیغاتی و سیاسی مراکز ناسیونالیست و اولتراناسیونالیست فارسی و دولتی نمیبخشد. تا زمانیکه نهادهای صلاحیتدار و تخصصی ملاحظات علمی، انتقادی و روش شناسانه خود را بر احصائیه ارتش وارد نکرده اند، این بررسی همچنان به عنوان تنها منبع تخصصی موجود و مبدا حرکت - هرچند ایده آل نباشد- باقی خواهد ماند.

**اثنولوج:** [http://www.ethnologue.com/show\\_country.asp?name=Iran](http://www.ethnologue.com/show_country.asp?name=Iran)

یکی دیگر از منابع اصلی در باره ترکیب زبانی مردم ایران، داده های اثنولوج ethnologue -منبعی متخصص زبانشناسی- است. گرچه مانند تمامی آمارهای موجود مراکز انسان شناسی و زبانشناسی داده های اثنولوج نیز تقریبی است، با اینهمه این داده ها که عبارت اند از لیست و اطلاعاتی در باره همه زبانهای رایج در ایران به انضمام گویشها و لهجه های هر زبان، در شرایط فعلی بهترین تقریب موجود در این زمینه میباشد. اکنون خلاصه ای از داده های اثنولوج در باره شمار متکلمین به لهجه های زبانهای ترکی و فارسی در ایران را میآورم. (در اینجا تنها زیرگروههای طائفه ای و لهجه ای خلق ترک را منظور کرده ام. گروههای دیگر تورک یعنی ترکمنها، قزاقها، اوزبکها و اوغورها را در این آمار داخل نکرده ام):

-در حال حاضر زبان ترکی آذربایجانی (مجموع کلیه لهجه های آن، که شامل خلقهای ترکمن، قزاق، اوزبک و اوغور نمیشد) با ۲۹،۳ میلیون متکلم، زبان اول مردم ایران به لحاظ تعداد متکلمین است. ترکهای آذربایجانی حداقل ۴۲،۳٪ جمعیت ایران را تشکیل میدهند.

-زبان فارسی (مجموع کلیه لهجه های آن) با ۲۵،۶ میلیون متکلم، زبان دوم مردم ایران است. فارسیها حداکثر ۳۶،۹٪ جمعیت ایران را تشکیل میدهند. (در این آمار، گروههای تورک تباری مانند آیماقها و هزاره ها که اکنون به زبان تاجیکی سخن میگویند نیز جزء فارسیها منظور شده اند).

## صد پر متکلمترین زبانهای دنیا Top 100 Languages by Population 1996

مقایسه زبانهای ترکی آذربایجانی و فارسی در داخل ایران

رده بین پر متکلمترین زبانها	نام زبان-نام لهجه	کشور اساس	جمعیت
۰۳۸	آذربایجانی-لهجه های جنوبی [AZB]	ایران	۲۴,۳۴۶,۰۰۰
۰۳۹	فارسی-لهجه های غربی [PES]	ایران	۲۴,۲۸۰,۰۰۰

مقایسه زبانهای ترکی آذربایجانی و فارسی در خارج ایران

رده بین پر متکلمترین زبانها	نام زبان-نام لهجه	کشور اساس	جمعیت
۱۰۰	آذربایجانی-لهجه های شمالی [AZE]	آذربایجان	۷,۰۵۹,۰۰۰
۱۰۳	فارسی-لهجه های شرقی [PRS]	افغانستان	۷,۰۰۰,۰۰۰

مجموع ترکهای آذربایجانی دنیا (هر دو لهجه جنوبی و شمالی)

رده بین پر متکلمترین زبانها	نام زبان-نام لهجه	کشور اساس	جمعیت
۰۳۸	آذربایجانی-لهجه های جنوبی [AZB]	ایران	۲۴,۳۴۶,۰۰۰
۱۰۰	آذربایجانی-لهجه های شمالی [AZE]	آذربایجان	۷,۰۵۹,۰۰۰
۰۳۱	آذربایجانی (شمالی+جنوبی)	جمعیت کل	۳۱,۴۰۵,۰۰۰

مجموع فارسی های دنیا (هر دو لهجه شرقی و غربی)

رده بین پر متکلمترین زبانها	نام زبان-نام لهجه	کشور اساس	جمعیت
۰۳۹	فارسی-لهجه های غربی [PES]	ایران	۲۴,۲۸۰,۰۰۰
۱۰۳	فارسی-لهجه های شرقی [PRS]	افغانستان	۷,۰۰۰,۰۰۰
۰۳۲	فارسی (شرقی+غربی)	جمعیت کل	۳۱,۰۲۸,۰۰۰

## لینگوآسفر - ۲۰۰۰-۱۹۹۹

<http://www.linguasphere.org/>

### شمار متکلمین زبانهای ترکی و فارسی

نام زبان شامل لهجه ها و گویشها Language & dialects name	جمعیت Population	کشورهای عمده ای که در آن تکلم میشود Main Countries
تورکی (یئنی تورکجه، آذربایجانی، ترکمنی) Turkish (Yeni Turkce, Azeri, Turkmence)	۷۰ میلیون 70 million	ترکیه، ایران، آذربایجان، ترکمنستان، عراق، بلغارستان، سوریه، یونان، گرجستان
فارسی (شامل دری و تاجیکی) Farsi (including Dari, Tajiki)	۴۰ میلیون 40 million	ایران، افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان

### شمار متکلمین خانواده زبانهای تورکی و زبانهای ایرانی

خانواده زبانی Language Family	جمعیت Population	شامل زبان و گویشهای Including Language & Dialects:
تورکی (تورکیک) Turkic	۱۲۵ میلیون 125 million	تورکجه، آذربایجانی، ترکمنی، تاتاری، قزاقی، ازبکی، قرقیزی، اویغوری، باشقوردی
ایرانی (ایرانیک) Iranian	۸۰ میلیون 80 million	فارسی، کردی، پشتو، بلوچی، لری، پامیری، گیلکی، تبری، تالشی، تاتی، لاری، سمنانی، سنگسری

## اثنولوج

<http://www.ethnologue.com>

زبان	تعداد گویشوران در ایران	درصد به کل جمعیت
ترکی آذربایجانی	29,319,281 > - بیش از ۲۹,۳۱۹,۲۸۱ نفر	حد اقل ۴۲,۳٪ - ۴۲.۳٪
فارسی	25,581,763 < - کمتر از ۲۵,۵۸۱,۷۶۳ نفر	حد اکثر ۳۶,۹٪ - ۳۶.۹٪

لهجه های عمده ترکی آذربایجانی در ایران	جمعیت و درصد در سالهای مختلف	جمعیت و درصد - سال ۲۰۰۲
آذربایجانی، جنوب AZERBAIJANI, SOUTH [AZB]	23,500,000 - 37.3% (1997)	26,775,768 - 38.57%
قشقای QASHQA'I [QSQ]	1,500,000 - 2.38% (1997)	1,709,092 - 2.46%
ترکی خراسانی KHORASANI TURKISH [KMZ]	400,000 - 1.17% (1977)	810,841 - 1.17%
خلجی KHALAJ [KLJ]	17,000 - 0.06% (1968)	43,580 - 0.06%
سلجوقی SALCHUQ [SLQ]	?	?
<b>کل ترکی آذربایجانی</b>		<b>&lt; 42.26% - 29,319,281</b>

زبان و لهجه های عمده فارسی در ایران	جمعیت و درصد در سالهای مختلف	جمعیت و درصد - سال 2002
فارسی، غربی [PES]	22,000,000 - 35.92% (1997)	25,066,678 - 36.1%
هزارگی × [HAZ]	283,000 - 0.44% (1993)	306,168 - 0.44%
آیماق × [AIQ]	170,000 - 0.26% (1993)	183,917 - 0.26%
جیدی [DZH]	؟	<25,000 - <0.036%
<b>کل فارسی (برشین)</b>		<b>&lt;25,581,76 - &lt;36.836%</b>

زبانهای تورکی	گروه لهجه	زیرلهجه	درصد در ملت ترک	درصد در ملل تورکی ایران	درصد در ایران
Turkic			Turk	Turkics	
۱-ترکی Turkish	آ-آذربایجانی		٪۱۰۰	٪۹۲٫۶۵	٪۴۱٫۲۳
		ازربایجانی جنوب	٪۹۷٫۲۶	٪۹۰٫۱	٪۴۰٫۱
		قشقائی	٪۹۰٫۴۷	٪۸۳٫۸	٪۳۷٫۳
		سلجوقی	٪۶٫۷۹	٪۶٫۱۵	٪۲٫۸
	ب-خراسانی	-	٪۲٫۷۴	٪۲٫۵۴	٪۱٫۱۳
۲-ترکمنی	-	-	-	٪۷٫۱۲	٪۳٫۱۷
۳-قزاقی	-	-	-	٪۰٫۰۲	٪۰٫۰۰۷
۴-خلجی	-	-	-	٪۰٫۱۳	٪۰٫۰۰۶
کل	-	-	-	٪۱۰۰	٪۴۴٫۵

لهجه های ترکی آذربایجانی در ایران طبق ائتنولوگ:

- 1) **AZERBAIJANI, SOUTH** [AZB] 23,500,000 in Iran (1997), or 37.3% of the population (1997), including 290,000 Afshar, 5,000 Aynallu, 7,500 Baharlu, 1,000 Moqaddam, 3,500 Nafar 1,000 Pishagchi, 3,000 Qajar, 2,000 Qaragozlu, 130,000 Shahsavani (1993). Population total all countries 24,364,000. Alternate names: AZERI. Dialects: AYNALLU (INALLU, INANLU), KARAPAPAKH, TABRIZ, AFSHARI (AFSHAR, AFSAR), SHAHSAVANI (SHAHSEVEN), MOQADDAM, BAHARLU (KAMESH), NAFAR, QARAGOZLU, PISHAGCHI, BAYAT, QAJAR. Classification: Altaic, Turkic, Southern, **Azerbaijani**.

- 2) **QASHQA'I** [QSQ] 1,500,000 (1997), or 2.38% of the population (1997). Southwestern Iran, Fars Province; southern pasture in winter, northern in summer. Shiraz is a center. Alternate names: QASHQAY, QASHQAI, KASHKAI. Classification: Altaic, Turkic, Southern, **Azerbaijani**.
- 3) **SALCHUQ** [SLQ] Classification: Altaic, Turkic, Southern, **Azerbaijani**.
- 4) **KHORASANI TURKISH** [KMZ] 400,000 possibly (1977 Doerfer). Northeast Iran, in the northern part of Khorasan Province, especially northwest of Mashhad. West dialect in Bojnurd region; north dialect in Quchan region (probably the largest), south dialect around Soltanabad near Sabzevar. Alternate names: QUCHANI. Dialects: WEST QUCHANI (NORTHWEST QUCHANI), NORTH QUCHANI (NORTHEAST QUCHANI), SOUTH QUCHANI. Classification: Altaic, Turkic, Southern, **Turkish**.
- 5) **KHALAJ** [KLJ] 17,000 and decreasing (1968). Northeast of Arak in Central Province. Classification: Altaic, Turkic, Southern, **Azerbaijani**.

لهجه های فارسی در ایران طبق ائنتولوگ (هزاره ها و آیماقها، ترک تباران تاجیک زبان میباشند):

- 1) **FARSI, WESTERN** [PES] 22,000,000 in Iran, or 35.92% of the population (1997), including 800,000 Dari in Khorasan, Gilan, Tat, Bakhtiyari, Lor. Population total all countries 24,280,000. Alternate names: PERSIAN, PARSI. Dialects: QAZVINI, MAHALLATI, HAMADANI, KASHANI, ISFAHANI, SEDEHI, KERMANI, ARAKI, SHIRAZI, JAHROMI, SHAHRUDI, KAZERUNI, MASHADI (MESHED), BASSERI. Classification: Indo-European, Indo-Iranian, Iranian, Western, Southwestern, **Persian**.
- 2) **HAZARAGI** [HAZ] 283,000 in Iran (1993). Alternate names: HAZARA, HEZAREH, HEZARE'I. Classification: Indo-European, Indo-Iranian, Iranian, Western, Southwestern, **Persian**.

- 3) **AIMAQ** [AIQ] 170,000 (1993 Johnstone). Mazanderan Province. Dialects: TEIMURI (TEIMURTASH). Classification: Indo-European, Indo-Iranian, Iranian, Western, Southwestern, **Persian**.
- 4) **DZHIDI** [DZH] (60,000 in Israel; 1995). Alternate names: JUDEO-PERSIAN, DJUDI, JUDI. Classification: Indo-European, Indo-Iranian, Iranian, Western, Southwestern, **Persian**.

گنر چه یه هو!!!